





مسئله مالکیت در طرح‌های ذخیره‌سازی زیرزمینی گاز طبیعی در مخازن تخلیه‌شده هیدروکربنی

علی قدمیاری^۱ ، محمدمهدی حاجیان^۲ 

۱. دکتری مدیریت قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. رایانامه: Ghadamyari_ali@atu.ac.ir
۲. نویسنده مسئول: استادیار گروه حقوق خصوصی و اقتصادی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. رایانامه: hajian@atu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	به‌رغم اهمیت و نقش راهبردی صنعت ذخیره‌سازی زیرزمینی گاز طبیعی، متأسفانه بستر قانونی لازم برای توسعه حداکثری این صنعت فراهم نشده و سیاست‌گذاران در سطح کلان ملی، توجه کافی به این مسئله راهبردی نداشته‌اند. حضور فعال بخش خصوصی در این صنعت، منوط به شناسایی حقوق مرتبط با ذخیره‌سازی است. هدف اصلی از انجام این پژوهش، بررسی ابعاد حقوقی مالکیت در صنعت ذخیره‌سازی زیرزمینی گاز طبیعی در مخازن تخلیه‌شده هیدروکربنی است. روش انجام این پژوهش، توصیفی-تحلیلی و روش اصلی گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای بوده و از تجزیه و تحلیل آرای داور، استدلال‌های عقلی، اصول و قواعد حقوقی و فقهی نیز بهره گرفته شده است. در این پژوهش ضمن بررسی حقوق ذخیره‌سازی مشتمل بر حقوق تحت‌الارضی، حقوق سطح‌الارضی و سایر حقوق مرتبط با عملیات، نظام حقوقی مالکیت بر مخزن، هیدروکربن درجا و هیدروکربن استحصالی از مخزن ذخیره‌سازی که متشکل از گاز تزریقی و محتوای بومی مخزن است، حسب مورد و به تفکیک شناسایی و احصا شده است.
تاریخ دریافت: ۲۹ تیر ۱۴۰۱	
تاریخ بازنگری: ۱۱ مهر ۱۴۰۱	
تاریخ پذیرش: ۲۲ مرداد ۱۴۰۳	
تاریخ انتشار: ۲۳ مرداد ۱۴۰۳	
کلیدواژه‌ها: انفال، حاکمیت، ذخیره‌سازی زیرزمینی گاز طبیعی، مالکیت عمومی، مخازن تخلیه‌شده هیدروکربنی.	

استناد: قدمیاری، علی؛ حاجیان، محمدمهدی (بهار و تابستان ۱۴۰۳). «مسئله مالکیت در طرح‌های ذخیره‌سازی زیرزمینی گاز طبیعی در مخازن تخلیه‌شده هیدروکربنی»، *مطالعات حقوق انرژی*، ۱۱(۱): ۷۲ - ۴۹.

DOI: <https://doi.com/10.22059/JRELS.2023.344747.500>



مقدمه

ذخیره‌سازی زیرزمینی گاز طبیعی^۱ متشکل از عملیات فشارافزایی گاز طبیعی به‌منظور تزریق^۲ در فضای متخلخل^۳ و بازیابی دوباره آن است (جنت رستمی، ۱۳۹۷: ۱۹) که از بیش از یک‌صدسال پیش تاکنون، به‌عنوان فرصتی راهبردی برای غلبه بر عدم تعادل در عرضه و تقاضای فصلی و دستیابی به تولیدی بدون وقفه، صیانتی و پایدار از مخازن مورد توجه کشورها بوده است. ذخیره‌سازی معمولاً به سه روش مخازن تخلیه‌شده هیدروکربوری، گنبد‌های نمکی و یا سفره‌های آب زیرزمینی انجام می‌شود (جنت رستمی، ۱۳۹۷: ۱۹) و کاربردی‌ترین مدل آن، ذخیره‌سازی در مخازن تخلیه‌شده است. فرایند ذخیره‌سازی دارای دو چرخه کاری است؛ در دوره زمانی تزریق، گاز فراورش‌شده طی عملیات ویژه‌ای به مخزن تزریق و پس از اتمام دوره تزریق، در زمانی مشخص عملیات تزریق متوقف شده و مخزن به حال خود رها می‌گردد تا شرایط مخزنی کاملاً تثبیت گردد. با فرارسیدن دوره زمانی بازتولید، گاز و میعانات گازی از مخزن ذخیره‌سازی استحصال شده و پس از تفکیک و فراورش مجدد از طریق خطوط لوله سراسری، منتقل می‌گردند.

نبود قوانین جامع و فقدان بستر قانونی مناسب برای سرمایه‌گذاری و توسعه این صنعت راهبردی، مانع از حضور مؤثر بخش خصوصی و استفاده از مزیت راهبردی آن در کشور شده است. حضور فعال بخش خصوصی در این صنعت منوط به شناسایی و شفافیت در حقوق مرتبط با ذخیره‌سازی در سه بخش حقوق تحت‌الارضی یا معدنی، حقوق سطح‌الارضی و سایر حقوق مرتبط است. درزمینه حقوق معدنی بایستی وضعیت مالکیتی مخزن و محتوای درجای آن، مالکیت بر گاز تزریقی، مالکیت بر گاز استحصالی و میعانات گازی تولیدی از مخزن ذخیره‌سازی شناسایی گردد. در بخش تحت‌الارضی، مالکیت بر زمین حاوی مخزن، تأسیسات و ساختمان‌های موجود موضوع بحث است و درنهایت حقوق و تکالیف ذینفعان قرارداد و مسئولیت‌های مرتبط با آن بایستی شناسایی، احصا و تبیین گردند.

هدف اصلی از انجام این پژوهش، بررسی ابعاد حقوقی مالکیت در صنعت ذخیره‌سازی زیرزمینی گاز طبیعی در مخازن تخلیه‌شده هیدروکربنی است. در این پژوهش برآنیم تا ضمن بررسی نهاد مالکیت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین موضوع‌های حقوقی در مسئله ذخیره‌سازی، به پرسش‌های زیر پاسخ دهیم:

- مالکیت بر مخزن هیدروکربنی متقاضی ذخیره‌سازی و هیدروکربن درجای آن

1. Underground Gas storage (UGS)
2. Injection
3. Pore Space

- مالکیت بر گاز تزریقی به مخزن ذخیره‌سازی
 - مالکیت بر هیدروکربن استحصالی از مخزن ذخیره‌سازی شامل گاز و میعانات گازی
 - مالکیت بر زمین حاوی مخزن هیدروکربنی متقاضی ذخیره‌سازی
- گفتنی است که هر جا سخن از «تولید» به میان می‌آید، منظور تولید بار اول است و هر جا صحبت از «بازتولید» است، مقصود این است که گازی استحصال شده که پیش‌تر به مخزن تزریق گردیده است. همچنین در این مقاله، هر جا از واژه «ذخیره‌سازی» نام برده شده است، منظور ذخیره‌سازی زیرزمینی گاز طبیعی در مخازن تخلیه‌شده هیدروکربنی است.

روش‌شناسی

این پژوهش بر مبنای روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از کتاب‌ها، مقالات، آرای داوری و همچنین حقوق ملی کشورها سامان یافته است. روش اصلی گردآوری اطلاعات و مطالب، روش کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از منابع دست اول مانند کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها، گزارش‌ها، طرح‌های پژوهشی و جست‌وجو در منابع اینترنتی است. همچنین از روش میدانی برای شناسایی و احصای چالش‌ها، تحلیل مسائل حقوقی و کسب اطلاعات مورد نیاز استفاده شده است. در برخی موارد نیز از تجزیه و تحلیل آرای داوری و دادگاه‌ها، استدلال‌های عقلی، اصول و قواعد حقوقی و فقهی بهره گرفته شده است.

روش و ابزار گردآوری اطلاعات در روش کتابخانه‌ای، فیش‌برداری از منابع یادشده بوده و بر مبنای نگرش استدلالی، به تجزیه و تحلیل کیفی اطلاعات گردآوری شده و تطبیق با قواعد حقوقی و قراردادی پرداخته شده است.

پیشینه پژوهش

مسئله ذخیره‌سازی زیرزمینی گاز طبیعی در ایران، تاکنون از حیث اقتصادی، فنی و تخصصی مورد توجه پژوهشگران بوده، اما تاکنون از بُعد حقوقی و قراردادی هیچ تحقیق جامعی در این عرصه انجام نشده است. از این رو در آغاز سخن، به مسئله مالکیت بر منابع نفتی، نفت درجا و تولیدشده در سرچاه، در حالت کلی پرداخته و در ادامه بحث، نظام حقوقی حاکم بر مسئله ذخیره‌سازی زیرزمینی گاز طبیعی در مخازن تخلیه‌شده هیدروکربنی از حیث مالکیت مورد موشکافی و بررسی قرار می‌گیرد.

۱. مالکیت بر منابع نفتی و نفت درجا از منظر فقه، حقوق موضوعه و قراردادهای

بالادستی

در بیشتر نظام‌های حقوقی دنیا، نفت به‌عنوان کالایی عمومی شناخته شده که مالکیت آن یا به‌صورت کامل به دولت سپرده شده است و یا از مشترکات بوده و دولت وظیفه تخصیص آن‌ها را برعهده دارد؛ اگرچه در اندک نظام‌های حقوقی، رژیم سنتی حاکم بر اموال به منابع نفت و گاز تسری یافته است.

برمبنای تکالیف قانونی در حقوق موضوعه کشورمان، مانند ماده ۱۹ قانون نفت (۱۳۵۳)، ماده ۲ قانون نفت (۱۳۶۶)، ماده ۷ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت (۱۳۹۱)، بند «ب» ماده ۱۲۹ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰-۱۳۹۴)، بند «ث» ماده ۱۱ (۱۳۹۵)، مالکیت عمومی بر منابع نفتی و نفت درجا روشن است. رژیم مالکیت عمومی از حمایت حقوق بین‌الملل نیز برخوردار بوده و برابر اصل حاکمیت دائمی کشورها بر منابع طبیعی‌شان، مالکیت عمومی بر منابع نفتی و نفت درجا مورد تأکید قرار گرفته است (امین‌زاده و نیک‌بخش، ۱۳۹۴: ۱۴). آرای داوری‌های بین‌المللی (امین‌زاده و نیک‌بخش، ۱۳۹۴: ۱۴) و قراردادهای بالادستی نفت و گاز منعقد در سالیان گذشته نیز (کاظمی نجف‌آبادی، ۱۳۹۶: ۴-۱۲) در تأیید مالکیت عمومی بر منابع نفتی و نفت درجا تأکید دارند.

مستنبط از قوانین، فقه شیعه و مستفاد از نظر حقوق‌دانان و صاحب‌نظران عرصه حقوق نفت و گاز، منابع نفتی و نفت درجا در شمار اموال عمومی بوده و وزارت نفت مکلف شده است تا به نمایندگی از طرف حکومت اسلامی بر منابع نفت و گاز اعمال حق حاکمیت و مالکیت عمومی نماید. این نتیجه شامل هر دو قسم از تقسیم‌بندی درزمینه نظام مالکیت منابع نفتی می‌شود؛ خواه مالکیت آن را عمومی فرض کنیم یا انقال (خمینی، ۱۳۷۸: ۳۲۷).

۲. مالکیت بر نفت و گاز تولیدی در سرچاه

یکی از نویسندگان در پژوهش خود درباره مالکیت بر نفت تولیدی در سرچاه بیان می‌کند: «نفت مادام که در مخزن است، جزء اموال عمومی بوده و پس از استخراج به اموال دولتی تبدیل می‌شود و دولت می‌تواند نسبت به آن‌ها تصرف مالکانه داشته باشد و یا به هر نحو دیگری از آن‌ها استفاده نماید» (مجیبی، ۱۳۸۶: ۱۶۹-۱۷۴).

با توجه به این مسئله که در همه مقرره‌های قانونی یادشده، همواره بر مالکیت عمومی منابع نفتی تأکید گردیده است؛ با دقت در تعریف اصطلاح «منابع نفتی» در قوانین نفت ایران، مانند

ماده ۱ یک قانون نفت (۱۳۶۶)، بند سه ماده ۱ یک قانون اصلاح قانون نفت (۱۳۹۰)، ماده ۲ قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران (۱۳۹۵) و ماده ۲ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت (۱۳۹۱)، می‌توان گفت که نفت تولیدی در سر چاه، از شمول منابع نفتی خارج شده و از این‌رو به نظر می‌رسد که بتوان نفت تولیدشده در سر چاه را از شمار اموال عمومی به معنای عام خارج نمود و به عنوان مال در اختیار شرکت دولتی - یعنی شرکت ملی نفت ایران - دانست. بدین ترتیب، می‌توان حق مالکیت شرکت ملی نفت بر نفت تولیدی در سر چاه را از نوع حق مالکانه شخص حقوقی خصوصی دانست. از مصادیق این اعمال مالکیت، فروش گاز خام توسط شرکت ملی نفت ایران به شرکت ملی گاز ایران است. شرکت ملی گاز نیز محق است تا حسب قوانین موجود، نسبت به فروش گاز موجود در خطوط انتقال گاز به شرکت‌های دولتی و خصوصی، اقدام کند.^۱

همچنین با توجه به اینکه قانون‌گذار در ماده ۱۹ قانون نفت (۱۳۵۳) صراحتاً به «نفت تولیدشده از منابع نفتی ایران» اشاره کرده است که «در مالکیت شرکت ملی نفت ایران خواهد بود» و در ادامه تأکید می‌کند که «شرکت مزبور نمی‌تواند هیچ قسمت از نفت را مادام که استخراج نشده است به غیر انتقال دهد»، از منظر تفسیر قانونی، با عنایت به این موضوع که قانون‌گذار در گذشته صراحتاً انفکاک بین دو مفهوم «نفت تولیدشده از منابع نفتی ایران» و «نفت را مادام که استخراج نشده است» را مدنظر قرار داده است، با استفاده از سابقه ادبیات قانونی، می‌توان این‌گونه تفسیر کرد که این تفکیک در زمان نوشتن متن قانون نفت (۱۳۶۶) و اصلاحات بعدی، نیز بنابر قاعده، مدنظر نویسندگان قانون بوده، اما قانون‌گذار صرفاً درباره منابع نفتی، به شکل حصری، مقرر کرده و راجع به نفت تولیدی در سر چاه تصریحی مبنی بر مالکیت عمومی ندارد.

مستفاد از مقرره‌های قانونی و استدلال‌های حقوقی یادشده، نفت تولیدشده در سر چاه را می‌توان از زمره مالکیت عمومی خارج دانست و آن را در شمار مالکیت دولتی و در مالکیت شرکت ملی نفت ایران جای داد. بنابراین، شرکت نامبرده حق دارد تا ذیل قوانین و مقررات موجود^۲

۱. در بخش «الف» ماده ۸ تصویب‌نامه درخصوص اقدام وزارت نفت به نمایندگی از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران نسبت به انعقاد قرارداد با شرکت ملی نفت ایران مصوبه هیأت‌وزیران مصوب ۱۳۹۵/۰۵/۲۷ با اصلاحات و الحاقات بعدی، محل تحویل نفت خام به پالایشگاه‌های داخلی که گاه شرکتی خصوصی هستند، نقطه خروجی شرکت‌های تولیدی که از شرکت‌های تابعه شرکت ملی نفت ایران هستند، در نظر گرفته شده که نشان می‌دهد نفت خام خروجی از تأسیسات نفتی قابل واگذاری به شخص حقوقی خصوصی است. در بخش «ب» همین ماده نیز محل تحویل میعانات گازی به پالایشگاه‌ها، مجتمع‌های پتروشیمی و سایر شرکت‌ها اعم از دولتی و خصوصی و عرضه‌شده در بورس را نقطه خروجی پالایشگاه‌های گازی مقرر نموده و بر قابلیت واگذاری مالکیت آن به بخش خصوصی تصریح کرده است.

۲. تصویب‌نامه درخصوص اقدام وزارت نفت به نمایندگی از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران نسبت به انعقاد قرارداد با شرکت ملی نفت ایران مصوبه هیأت‌وزیران مصوب ۱۳۹۵/۰۵/۲۷ با اصلاحات و الحاقات بعدی.

نسبت به آن اعمال حقوق مالکانه نماید. از مصادیق اعمال مالکیت، فروش نفت خام به پالایشگاه‌های بخش خصوصی و صنایع پتروشیمی است.

۳. شناسایی و احصای حقوق ذخیره‌سازی؛ بررسی نهاد مالکیت

در یک طرح ذخیره‌سازی، پیمانکار موظف است گاز طبیعی دریافتی را در یک دوره زمانی، به فضای متخلخل مخزن زیرزمینی تزریق نموده و در دوره زمانی بعد، دوباره آن را بازتولید کند (بهرامی کهیش‌نژاد، ۱۳۹۲). در مرحله تزریق، گاز خشک و فراورش‌شده که حاوی هیچ‌گونه هیدروکربن سنگین مانند میعانات گازی نیست، طی عملیات ویژه‌ای توسط کمپرسورها فشارافزایی و به مخزن تزریق شده و در مرحله بازتولید، گاز و میعانات گازی از مخزن استحصال و دوباره تفکیک و فراورش می‌شوند.

حقوق مرتبط با عملیات ذخیره‌سازی را می‌توان در سه دسته زیر خلاصه کرد:

- حقوق تحت‌الارضی یا حقوق معدنی
- حقوق سطح‌الارضی
- سایر حقوق مرتبط با پشتیبانی عملیات ذخیره‌سازی (Mojdehi, 1981: 3-4).

هریک از دسته‌بندی‌های بالا مشتمل بر مجموعه حقوقی است که پیمانکار ذخیره‌سازی بایستی در پی دریافت آن برآید و چنانچه بدون دریافت این حقوق، اقدامی انجام دهد که به ایجاد لطمه و خسارت بینجامد، در قبال آن مسئول بوده و باید جبران خسارت کند. در سالیان گذشته، عدم شناسایی صحیح حقوق ذخیره‌سازی، به اقامه دعاوی متعدد در عرصه حقوق بین‌الملل انجامیده است (McGaha Fred, 1986: 871) که بررسی این آرای داوری می‌تواند در روشن شدن مسئله حاکمیت و مالکیت بر مخازن ذخیره‌سازی مورد توجه و واکاوی قرار گیرد.

۱.۳. حقوق تحت‌الارضی یا معدنی

در این بخش از پژوهش برآنیم تا به احصای چالش‌های حقوقی نهاد مالکیت در باب حقوق تحت‌الارضی مسئله ذخیره‌سازی بپردازیم. این حقوق را می‌توان بر چند بخش تقسیم کرد و به صورت جداگانه آن را به بحث و بررسی بیشتر گذاشت. در وهله نخست و پیش از ورود به بحث ذخیره‌سازی، بایستی به مسئله مالکیت بر مخزن متقاضی ذخیره‌سازی و محتوای بومی^۱ و درجای آن پرداخت. پس از روشن شدن این مهم، لازم است درباره گاز تزریقی و مالکیت آن ژرف‌کاوی کرد و سرانجام به موضوع اصلی که همانا هیدروکربن استحصالی از مخزن

۱. منظور از محتوای بومی مخزن، گاز موجود درون مخزن نفتی، قبل از شروع عملیات ذخیره‌سازی است که به گاز پایه نیز معروف است.

ذخیره‌سازی است، پرداخت. تبیین مسئله مالکیت در هر دسته از موارد فوق، به روشن شدن حقوق تحت‌الارضی قابل واگذاری به پیمانکار کمک می‌کند.

۳.۱.۱. مالکیت بر مخزن ذخیره‌سازی و هیدروکربن درجا

وضعیت مخزن هیدروکربنی متقاضی ذخیره‌سازی، از سه حال خارج نیست:

- مخزن کاملاً تخلیه شده باشد؛ در این حالت، فرض وجود مقادیری هیدروکربن درجا (محتوای بومی مخزن) منتفی است؛ اما از آنجاکه تخلیه کامل یک مخزن هیدروکربنی در عالم واقع امری ناممکن بوده و همواره و در هر شرایطی، مقادیری از هیدروکربن، در مخزن باقی خواهد ماند، پس فرضی باطل است.
 - مخزن هنوز تخلیه نشده و دارای محتوای بومی است؛ اما برداشت اقتصادی از آن امکان‌پذیر نیست. چنانچه عملیات ذخیره‌سازی انجام شود، به دلیل فعل‌وانفعالات مخزنی، تولید از محتوای بومی مخزن نیز ممکن خواهد شد.
 - مخزن در انتهای دوره تولید اقتصادی بوده؛ اما همزمان با تولید طبیعی از مخزن، ذخیره‌سازی نیز به دلایل راهبردی، امنیتی و... انجام شود.
- با کنار گذاشتن فرض اول و بر مبنای دو فرض دیگر، همواره مقادیری از هیدروکربن درجا در مخزن متقاضی ذخیره‌سازی باقی مانده که تحت شمول نظام مالکیت اموال عمومی است. بنابراین، احکام قانونی مربوط به مالکیت بر مخزن متقاضی ذخیره‌سازی با احکام مربوط به منابع نفتی مقرر در قوانین موضوعه تفاوتی نداشته و مخزن متقاضی ذخیره‌سازی در حکم یک منبع نفتی و تحت نظام مالکیت عمومی قرار دارد.

۳.۱.۲. مالکیت بر گاز تزریقی به مخزن

با روشن شدن این مسئله که نظام مالکیت عمومی بر مخزن متقاضی ذخیره‌سازی و هیدروکربن درجای آن حاکم است، لازم است تا در باب مالکیت بر گاز تزریقی به مخزن در دوره زمانی تزریق سخن به میان آورد. با عنایت به مطالب بیان شده در بخش ۲-۲، در وهله نخست، درباره مالکیت بر گاز تزریقی می‌توان دو رویکرد را در نظر گرفت:

رویکرد اول: شرکت ملی نفت و شرکت‌های تابعه آن، به‌عنوان مالک گاز، طی قرارداد تراضی‌شده با پیمانکار طرح ذخیره‌سازی، گاز را با کیفیت، کمیت و قیمت مورد توافق به پیمانکار یادشده فروخته و در نقطه تحویل توافقی به ملکیت پیمانکار درمی‌آید.

در این شرایط، پیمانکار ذخیره‌سازی ضمن مالکیت بر گاز تحویلی، متعهد می‌گردد تا حسب قرارداد منعقد، بر مبنای رویه‌های نفتی بین‌المللی و روش خوب صنعت^۱ نسبت به تزریق گاز به مخزن هیدروکربنی اقدام و در دوره بازتولید نیز ضمن تولید صیانتی، به استحصال از مخزن اقدام کند و سرانجام، هیدروکربن تولیدی را به شرکت ملی نفت/شرکت‌های تابعه تحویل دهد.

رویکرد دوم: پیمانکار طرح هیچ‌گونه حق مالکیتی بر گاز تزریق شده نداشته و صرفاً به‌عنوان اپراتور، وظیفه انجام عملیات ذخیره‌سازی را برعهده دارد و متناسب با قرارداد منعقد، هزینه‌ها و حق‌الزحمه استحقاقی خود را که می‌تواند به‌صورت پول یا محصول استحصالی تقویم شود، دریافت خواهد کرد. در این رویکرد، مالکیت گاز تزریقی از آن شرکت ملی نفت ایران است.

۳.۱.۳. مالکیت بر گاز استحصالی از مخزن

در دوره زمانی بازتولید، هیدروکربنی که از مخزن ذخیره‌سازی استحصال می‌گردد، متشکل از اجزای زیر خواهد بود:

- گاز بازتولیدشده از مخزن که پیش‌تر و در دوره تزریق به مخزن تزریق شده است؛
- هیدروکربنی که نخستین بار و به‌واسطه عملیات ذخیره‌سازی تولید می‌گردد که خود، دربرگیرنده دو جزء است:

۱. گاز بومی که به‌واسطه عملیات پیمانکار و برای بار اول از مخزن تولید می‌شود؛
 ۲. میعانات گازی که به‌واسطه عملیات پیمانکار و برای بار اول از مخزن تولید می‌شود.
- مستفاد از مطالب یادشده در بخش دوم، مخزن و محتوای درجای آن در شمار مالکیت عمومی است. از دیگر سو، هیدروکربن استحصالی نیز اگر از محتوای بومی مخزن برداشت شده باشد، در سر چاه تحت تملک شرکت ملی نفت ایران درخواهد آمد. با این اوصاف و با در نظر گرفتن دو رویکرد نامبرده در بخش ۳-۱-۲، دو حالت برای وضعیت مالکیت گاز استحصالی متصور است:

حالت اول: با در نظر گرفتن رویکرد اول بخش ۳-۱-۲ مبنی بر مالکیت پیمانکار بر گاز تزریقی به مخزن، به دلیل اختلاط گاز تزریقی تحت تملک پیمانکار با گاز بومی در درون مخزن، با ابهام در مالکیت گاز استحصالی روبه‌رو خواهیم شد. با توجه به این موضوع که کمیت و کیفیت گاز تزریقی به مخزن کاملاً مشخص است. از این‌رو، براساس کمیت و کیفیت گاز استحصالی باید

۱. رویه‌های نفتی بین‌المللی به عملکردها و هنجارهای رفتاری گفته می‌شود که بین فعالان نفتی، به‌ویژه شرکت‌های نفتی بین‌المللی و شرکت‌های ملی نفت ایجاد شده و تاندازه‌ای قدرت الزام‌آور یافته است (شیروی، ۱۳۹۷: ۱۰۳)؛ روش خوب صنعت به معیارها، رویه‌ها و شیوه‌هایی گفته می‌شود که انتظار است هر فرد متعارفی که عملیات نفتی بین‌المللی را انجام می‌دهد، آن را رعایت کند (پدرام، ۱۳۹۲: ۶۷).

میان محتوای بومی مخزن و گاز تزریق‌شده، تفکیک کرد. برای انفکاک محصول، دو وضعیت متصور خواهد بود:

وضعیت اول: عدم اختلاط گاز بومی و گاز تزریقی به گونه‌ای که با توجه به ویژگی‌های فیزیکی/شیمیایی گاز، قابلیت تفکیک این دو گونه وجود داشته باشد. در این حالت، مالکیت هر دو دسته کاملاً روشن است. آن قسمت از گاز استحصالی که دارای مشخصات مشابه گاز تزریقی به مخزن است، در سر چاه به مالکیت پیمانکار درخواهد آمد و مابقی، گاز بومی تولیدشده از مخزن برای بار اول بوده و در سر چاه به مالکیت شرکت ملی نفت ایران درخواهد آمد. با توجه به اینکه فعالیت پیمانکار در تولید محتوای بومی مؤثر بوده است (مانند آنچه در فرایند بهبود/ازدیاد برداشت رخ می‌دهد) بایستی حق الزحمه‌ای مبنی بر تولید از محتوای بومی، برای وی متصور بود.

وضعیت دوم: اختلاط دو گاز به گونه‌ای باشد که گاز استحصالی در سر چاه قابلیت تفکیک از یکدیگر را نداشته باشد. ملاک عمل در این حالت، محاسبه میزان گاز تزریقی و گاز استحصالی^۱ و مقایسه جبری میان این دو عدد است به گونه‌ای که:

- اگر میزان گاز استحصالی از میزان گاز تزریق‌شده بیشتر باشد، مابه‌التفاوت گاز استحصالی در حکم گاز بومی مخزن خواهد بود که در سر چاه به مالکیت شرکت ملی نفت ایران درمی‌آید. مابقی گاز نیز در سر چاه به مالکیت پیمانکار درخواهد آمد.
 - اگر میزان گاز استحصالی از میزان گاز تزریق‌شده کمتر باشد، همه گاز در سر چاه به تملک پیمانکار درآمده و آن مقدار از گاز تزریق‌شده به مخزن که پیمانکار نتوانسته است از مخزن بازیافت کند، در حکم مال عمومی و به صورت هیدروکربن درجا در مخزن باقی خواهد ماند.
 - اگر میزان گاز استحصالی از مخزن با مقادیر گاز تزریق‌شده مساوی باشد، همه گاز در سر چاه به تملک پیمانکار درآمده و هیچ گاز بومی از مخزن استحصال نشده است.
- در حالت‌های دوم و سوم، حتی اگر در واقعیت امر، گاز بومی مخزن استحصال شده و گاز تزریقی به مخزن با مالکیت خصوصی، در مخزن باقی مانده باشد، به لحاظ کمی، در هیدروکربن درجای مخزن به عنوان مال عمومی تغییری ایجاد نشده است.

حالت دوم: با در نظر گرفتن رویکرد دوم مبنی بر عدم مالکیت پیمانکار بر گاز تزریقی، با تزریق گاز به مخزن هیدروکربنی، هرچند اختلاط گاز تزریقی با گاز بومی مخزن رخ دهد، گاز استحصالی در سر چاه به مالکیت شرکت ملی نفت ایران درمی‌آید و ابهامی در مالکیت

۱. در دعوی هامبل، دادگاه رسیدگی‌کننده، چگونگی محاسبه میزان گاز باقی‌مانده در مخزن برای پرداخت رویالتی را تعیین کرد (Humble Oil and Refinery Co. v. West, 508 S.W.2d 812 (Tex. 1974)).

هیدروکربن استحصالی در سر چاه پدید نمی‌آید. همچنین پیمانکار نسبت به هیدروکربن درجای مخزن نیز هیچ مالکیتی نخواهد داشت.

۳.۱.۴. مالکیت بر میعانات گازی تولیدی

در باب مالکیت بر میعانات گازی تولیدی از مخزن ذخیره‌سازی، به این دلیل که گاز تزریقی به مخزن، کاملاً خشک و فراورش شده بوده و فاقد هر نوع هیدروکربن با ترکیبات سنگین مانند میعانات گازی است، بنابراین میعانات گازی استحصالی بی‌شک از محتوای بومی مخزن بوده و پس از تولید، در سر چاه به مالکیت شرکت ملی نفت ایران درخواهد آمد. به بیان دیگر، پیمانکار نسبت به میعانات گازی تولیدی در سر چاه مالکیتی نخواهد داشت؛ اما استحقاق وی مبنی بر تولید از این محتوای بومی مخزن که قبل از عملیات ذخیره‌سازی قابل برداشت نبوده است، بایستی به نحوی از انحاء (به پول یا محصول تولیدی) تقویم گردد.

۳.۱.۵. ابهام در اشاعه مخزن

در حالتی که فرض شد شرکت ملی نفت ایران، مطابق با حق قانونی خود در زمینه اعمال حقوق مالکانه، گاز را قبل از عملیات تزریق به پیمانکار بفروشد، با این ابهام روبه‌رو خواهیم شد که با تزریق گاز با مالکیت شخص حقوق خصوصی به مخزن، آیا پیمانکار نسبت به کل گاز موجود در مخزن، متشکل از هیدروکربن تزریق شده به مخزن و محتوای بومی مخزن، به شکل مشاع مالکیت خواهد داشت؟ در پاسخ به این ابهام، دو فرضیه مطرح است:

فرض اول: گاز تزریقی به مخزن که در مالکیت شخص حقوق خصوصی است، پس از تزریق به مخزن، به صورت هیدروکربن درجا، همچنان در تملک وی باقی مانده و پیمانکار نسبت به درصدی از هیدروکربن درجای مخزن، حق مالکیت خواهد داشت. در این فرض، مالکیت پیمانکار به نحو اشاعه نخواهد بود؛ چراکه طبق تعریف، مالکان باید در جزء جزء آن مال با یکدیگر شریک باشند که این شرط در فرض یادشده، صدق نمی‌کند. همچنین با عنایت به اینکه فرض مالکیت شخص حقوق خصوصی بر هیدروکربن درجا، در تعارض مستقیم با قوانین آمره بوده و با آموزه‌های فقه شیعه و دکترین حقوقی مغایرت دارد، فرضی باطل است. از سوی دیگر، فروش گاز به پیمانکار در دوره تزریق، مشروط به ایفای تعهد قراردادی وی مبنی بر بازتولید از مخزن است و تا زمانی که بازتولید محقق نشده، پیمانکار حق مالکیتی بر آن نخواهد داشت.

فرض دوم: گاز تزریقی به مخزن به محض ورود به آن از تملک شخص حقوق خصوصی خارج شده و در شمار مالکیت عمومی درمی‌آید. در این حالت، کل گاز موجود در مخزن، متشکل

از گاز تزریق شده به مخزن و محتوای بومی مخزن، جمعاً در تملک شخص حقوق عمومی بوده و پیمانکار طرح، هیچ‌گونه مالکیتی بر هیدروکربن درجای مخزن نخواهد داشت. در توجیه عدم مالکیت پیمانکار بر گاز تزریق شده که به صورت درجا در مخزن است، می‌توان گفت که مالکیت وی بر گاز تزریقی، مالکیتی قراردادی بوده و استحقاق وی بر گاز تزریقی منوط به ایفای تعهد قراردادی خود مبنی بر بازتولید آن در دوره بازتولید از مخزن است و تا زمانی که این گاز از مخزن خارج نشده و به سر چاه نیامده است، حقی بر آن نخواهد داشت. به محض تولید مجدد، مالکیت پیمانکار بر گاز بازتولیدی، در سر چاه برقرار خواهد شد.

۲.۳. حقوق سطح الارضی

در این بخش از پژوهش، حقوق سطح الارضی را در دو بخش زمین و اراضی مورد نیاز و همچنین تأسیسات و ساختمان‌های مربوط به عملیات ذخیره‌سازی، مورد واکاوی و بررسی بیشتر قرار می‌دهیم.

۱.۲.۳. حقوق مرتبط با زمین حاوی مخزن هیدروکربنی

در باب حقوق مرتبط با زمین مافوق مخزن متقاضی ذخیره‌سازی، با عنایت به اینکه این زمین پیش‌تر به منظور عملیات نفتی از مخزن هیدروکربنی به‌نحوی از انحاء به مالکیت شرکت ملی نفت ایران درآمده است؛ بنابراین دو حالت زیر قابل فرض است:

فرض اول: در حالتی که تولید از مخزن هیدروکربنی غیراقتصادی باشد و از آن بهره‌برداری نشود، زمین حاوی مخزن هیدروکربنی، در اختیار شرکت ملی نفت ایران و در شمار مالکیت دولتی است و شرکت حق دارد نسبت به آن در چهارچوب قوانین و مقررات موجود، اعمال حقوق مالکانه نماید. از مصادیق این اعمال حقوق مالکیت، واگذاری حق استفاده از آن به پیمانکار طرح ذخیره‌سازی است تا در طول مدت قرارداد، نسبت به بهره‌برداری از زمین و نصب تسهیلات و تأسیسات ذخیره‌سازی اقدام کند. (رتال جامع علوم انسانی)

۱. مالکیت اموال دولتی از نوع مالکیت اشخاص حقوق خصوصی است، اما در اموال عمومی، مالک اصلی عموم ملت بوده و مالکیت دولت صرفاً از جنبه اداری است (کنعانی، ۱۳۸۷: ۱۷۲-۱۸۲). همچنین از نظر صدر، مالکیت عمومی و مالکیت دولتی از لحاظ اجتماعی نظیر یکدیگرند و دولت اسلامی می‌تواند از ثروت‌های عمومی و دولتی مستقیماً بهره‌برداری کند و یا نسبت به واگذاری امتیاز آن‌ها اقدام نماید (صدر، ۱۳۵۰: ۸۸-۸۹).

فرض دوم: در حالی که مخزن هیدروکربنی تحت عملیات بهره‌برداری بوده، اما تصمیم بر آن باشد که ذخیره‌سازی در مخزن همزمان با تولید از آن انجام شود. در این فرض، ممکن است طرح ذخیره‌سازی به دو شکل واگذار شود:

- امتیاز طرح ذخیره‌سازی به پیمانکار بهره‌بردار واگذار شود که در این حالت، به دلیل یکپارچگی عملیات، مسئله روشن است و چالشی در استفاده از زمین و حقوق سطح‌الارضی وجود ندارد.

- چنانچه پیمانکار ذخیره‌سازی و پیمانکار بهره‌برداری یکسان نباشند؛

با توجه به امکان تداخل در فعالیت‌های همزمان دو پیمانکار، لازم است حقوق و تکالیف ذینفعان در باب وضعیت استفاده از زمین دقیقاً احصا، تبیین و روشن شود که آیا پیمانکار بهره‌بردار، حق استفاده انحصاری از زمین را در اختیار دارد و یا اینکه شرکت ملی نفت محق است تا نسبت به واگذاری زمین به شخص دیگری مانند پیمانکار ذخیره‌سازی، اقدام کند؟

از نظر برخی، حق شرکت نفتی خارجی نسبت به زمین و اراضی، حق دینی با ماهیت منفی قلمداد شده است؛ به‌گونه‌ای که شرکت خارجی می‌تواند دولت میزبان را از انجام عملیاتی که در تنافی با این حق انحصاری است، منع کند (ایرانی‌پور، ۱۳۸۹: ۶۱). به باور برخی دیگر، در قراردادهای نفتی، یک حق انحصاری برای اکتشاف و تولید در ناحیه قرارداد به شرکت نفتی اعطا شده است؛ اما این حق نمی‌تواند مانع از آن باشد که کارفرما، شخصاً و یا از طریق شخص ثالث، فعالیت‌های دیگری در ناحیه مورد نظر انجام دهد. شرط واگذاری این است که فعالیت‌های مزبور مانع عملیات شرکت نفتی نشده و عملیات وی را مختل نسازد (شیروی، ۱۳۹۳: ۴۴۸).

با توجه به وجود دو قرارداد مستقل مرتبط با مخزن شامل قرارداد اولیه در زمینه توسعه و تولید از مخزن هیدروکربنی و قرارداد ثانویه در خصوص ذخیره‌سازی، به نظر می‌رسد که شرکت ملی نفت ایران حق دارد با استناد به دلایل زیر، حق استفاده از زمین ناحیه قرارداد اولیه را برای طرح ذخیره‌سازی به پیمانکار اعطا کند؛ با این ضابطه که فعالیت پیمانکاران موضوع مورد بحث، مخل عملیات دیگر پیمانکاران نباشد:

- تأمین منافع ملی و نفع عمومی از طریق توسعه طرح‌های ذخیره‌سازی؛
- حق اعمال حاکمیت و مالکیت بر منابع نفت و گاز؛
- اصل حاکمیت دائمی دولت‌ها بر منابع طبیعی خود در حقوق بین‌الملل.

۲.۲.۳. حقوق مرتبط با تأسیسات، تجهیزات صنعتی و ساختمان‌ها

از آنجا که ذخیره‌سازی معمولاً در مخازن تخلیه‌شده انجام می‌شود، وجود ساختمان‌های مربوط به عملیات نفتی قدیم در محدوده عملیات جدید محتمل است. همچنین در برخی موارد، تأسیسات و تجهیزات صنعتی قدیمی مرتبط با عملیات بهره‌برداری از مخزن می‌تواند دیگر بار در عملیات ذخیره‌سازی مورد استفاده قرار گیرد. با این اوصاف، بایستی وضعیت حقوقی مالکیت این دسته از اموال نیز برای استفاده در عملیات ذخیره‌سازی روشن گردد.

برابر ماده ۲ قانون نفت (۱۳۶۶): «کلیه تأسیسات، تجهیزات، دارایی‌ها و سرمایه‌گذاری‌هایی که در داخل و خارج کشور توسط وزارت نفت و شرکت‌های تابعه به عمل آمده یا خواهد آمد، متعلق به ملت ایران و در اختیار حکومت اسلامی خواهد بود. اعمال حق حاکمیت و مالکیت نسبت به منابع و تأسیسات نفتی متعلق به حکومت اسلامی است که براساس مقررات و اختیارات مصرح این قانون به عهده وزارت نفت می‌باشد که بر طبق اصول و برنامه‌های کلی کشور عمل نماید». بنابراین طبق قانون، تأسیسات و دارایی‌ها متعلق به شخص حقوق عمومی بوده و وزارت نفت وظیفه اعمال حق مالکیت بر آن‌ها را عهده‌دار است. در ادامه ماده ۸ قانون، سرمایه‌گذاری‌های ثابت صنعت نفت در داخل کشور را که در اختیار واحدهای عملیات نفتی است، در قلمرو مالکیت دولتی قرار داده است که با ماده ۲ در تناقض است. در بند «ج» شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز (۱۳۹۵) نیز تصریح شده است که کلیه اموال اعم از ساختمان‌ها، کالاهای، تجهیزات، چاه‌ها و تأسیسات سطح‌الارضی و تحت‌الارضی از تاریخ شروع قرارداد متعلق به کارفرماست و در نتیجه، تحت رژیم مالکیت دولتی است. در رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۰۲۹ مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۱۲ با موضوع ابطال مصوبه شماره ۲۳-۱۳۹۳/۱/۳۱ شورای اسلامی شهر مسجدسلیمان در خصوص وضع عوارض چاه‌های نفت و گاز نیز بر مالکیت شرکت ملی نفت ایران بر اراضی، اماکن و تأسیسات خود در محدوده شهرستان مسجدسلیمان تأکید شده است.

با ژرف‌کاوی در قراردادهای بالادستی درباره مالکیت این اموال، به تفاوت‌هایی برمی‌خوریم (کاظمی نجف‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۹). در قراردادهای مشارکت در تولید و خدمت ریسکی، مالکیت کارفرما بر اموال یادشده کاملاً روشن است، اما در قراردادهای امتیازی، مالکیت تمام تجهیزات سر چاه که برای عملیات اکتشاف و استخراج قرار گرفته است، در اختیار شرکت خارجی باقی می‌ماند^۱ (ایرانپور، ۱۳۸۷: ۲۸).

۱. در همین راستا و به منظور رفع مشکل انتقال مالکیت تأسیسات صنعتی در قراردادهای امتیازی، می‌توان به ماده ۲۱ قانون معادن (۱۳۷۷) رجوع کرد که درباره تجهیزات و تأسیسات تصریح شده است: «بهره‌بردار و دارنده اجازه برداشت قبلی، موظف است اموال و تجهیزات مربوط به معدن را که انتزاع آن به تشخیص کارشناسی وزارت معادن و فلزات موجب وارد آمدن لطمه

مستند به مطالب پیش گفته و توجه به عدم بهره‌گیری از الگوی قراردادی امتیازی در کشور، کلیه ساختمان‌های موجود، تأسیسات و تجهیزات صنعتی سطح‌الارضی و تحت‌الارضی منصوب در منطقه، در تملک شرکت ملی نفت ایران به‌عنوان شرکت دولتی بوده و حق اعمال حقوق مالکانه نیز برای وی متصور است. بنابراین، حق واگذاری به پیمانکار طرح ذخیره‌سازی، در چهارچوب قوانین و مقررات موضوعه، از حقوق حقه شرکت ملی نفت است.

۳.۳. سایر حقوق مرتبط با پشتیبانی عملیات ذخیره‌سازی

در نهایت لازم است در باب سایر حقوق مرتبط با عملیات ذخیره‌سازی سخن گفت و حقوق و تکالیف طرفین را به‌دقت شناسایی و احصا کرد. اشخاص حقیقی/حقوقی مرتبط با این حقوق و تکالیف عبارت‌اند از: پیمانکار ذخیره‌سازی، شرکت ملی نفت ایران به‌عنوان کارفرما، شرکت ملی انتقال گاز ایران به‌عنوان مالک خطوط لوله انتقال گاز.

با توجه به اینکه متولی و صاحب انحصاری خطوط لوله انتقال گاز، شرکت ملی انتقال گاز ایران است، پیمانکار ناگزیر است برای انتقال گاز از این خطوط انتقال استفاده کند و در نتیجه، باید مراتب استفاده از ظرفیت خطوط انتقال میان پیمانکار ذخیره‌سازی و متولی خط لوله، تراضی و توافق گردد.

پیمانکار ذخیره‌سازی، برای تأمین گاز ورودی طرح، می‌تواند از طریق انعقاد قرارداد با عرضه‌کنندگان گاز، اطمینان یابد که گاز را در زمان و مکان معینی دریافت کند. عرضه‌کنندگان گاز طبیعی براساس ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی بند «ک» تبصره یک ماده‌واحد قانون بودجه سال ۱۴۰۰ کل کشور^۱، شرکت ملی گاز ایران، دارندگان گاز بازیافتی حاصل از عملیات فلرینگ و دارندگان گواهی صرفه‌جویی حاصل از ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور (۱۳۹۴) هستند. در قرارداد یادشده، لازم است درباره مسائل مختلفی مانند نحوه

و خسارت به معدن می‌شود، به نرخ تعیین شده براساس ارزیابی کارشناس رسمی دادگستری به قیمت روز به بهره‌بردار جدید واگذار نماید. در صورت عدم واگذاری اموال و تجهیزات مربوط به معدن برابر شرایط یادشده، مسئول جبران خسارت وارده خواهد بود.

۱. «به‌منظور تجاری‌سازی و افزایش سهم بخش خصوصی در حوزه انرژی، سایر عرضه‌کنندگان که صلاحیت آن‌ها از نظر حرفه‌ای و مالی به‌ترتیب به تأیید شرکت و بورس می‌رسد، در سال ۱۴۰۰ می‌توانند گاز طبیعی را از یکی از منابع گازهای بازیافتی از مشعل واحدهای عملیاتی، گاز صرفه‌جویی شده در قالب گواهی‌های صرفه‌جویی در بازار بهینه‌سازی مصرف انرژی و طرح‌های بهینه‌سازی مصرف انرژی موضوع ماده (۱۲) قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور (۱۳۹۴)، تأمین و در بورس انرژی عرضه نمایند».

قیمت‌گذاری و تعرفه‌ها، محل انتقال مالکیت و ریسک، کمیت و کیفیت گاز دریافتی و زمان‌بندی دریافت گاز، تراضی و توافق شود.

از سوی دیگر، چنانچه عرضه گاز در بورس انرژی محقق شود، پیمانکار قادر است نیاز خود را از آن طریق برطرف سازد. بند «ک» تبصره یک ماده واحده قانون بودجه سال ۱۴۰۰ کل کشور اشعار می‌دارد: «در راستای تجاری‌سازی و افزایش سهم بخش خصوصی در حوزه انرژی، وزارت نفت مکلف است از طریق شرکت تابعه ذی‌ربط زیرساخت‌های فیزیکی و نرم‌افزاری لازم را جهت عرضه و انجام معامله حداکثر ده میلیارد مترمکعب گاز طبیعی در بورس انرژی در سال ۱۴۰۰ فراهم کند». همین سازوکار نیز می‌تواند در زمینه فروش گاز بازتولیدی از مخزن راهگشا باشد.

نتیجه

از الزامات حضور فعال بخش خصوصی در صنعت ذخیره‌سازی گاز طبیعی، شناسایی حقوق مرتبط با این صنعت راهبردی است که در سه دسته حقوق سطح‌الارضی، حقوق تحت‌الارضی و سایر حقوق صورت‌بندی شده که از مهم‌ترین آن‌ها، تعیین رژیم حقوقی مالکیت است. در این پژوهش، تلاش شد با در نظر گرفتن جنبه‌های فنی مسئله ذخیره‌سازی و براساس قوانین، اصول فقه شیعه و دکتین حقوقی، رژیم حقوقی مالکیت در طرح‌های ذخیره‌سازی زیرزمینی گاز طبیعی در مخازن تخلیه‌شده هیدروکربنی، تبیین و تشریح گردد. نتایج حاصل از پژوهش عبارت‌اند از:

۱. رژیم مالکیت عمومی بر مخزن متقاضی ذخیره‌سازی و هیدروکربن درجای آن (محتوای بومی مخزن) حاکم بوده و پیمانکار طرح هیچ‌گونه حقوق مالکیتی بر آن‌ها نخواهد داشت؛
۲. هیدروکربن تولیدی بار اول که از محتوای بومی مخزن است، در سر چاه به مالکیت شرکت ملی نفت ایران درخواهد آمد؛
۳. دو حالت درباره مالکیت بر گاز تزریقی ارائه شد که منطبق بر هر حالت، در باب وضعیت مالکیتی گاز بازتولیدی از مخزن سخن به میان آمد؛
۴. میعانات گاز استحصالی به این دلیل که بی‌شک از محتوای بومی و تولید بار اول است، در سر چاه به مالکیت شرکت ملی نفت ایران درخواهد آمد؛
۵. حقوق مرتبط با بهره‌برداری و استفاده از زمین حاوی مخزن هیدروکربنی، ساختمان‌ها، تأسیسات و تجهیزات صنعتی به‌واسطه مالکیت دولتی، با رعایت ضوابط قانونی موجود، قابل انتقال به پیمانکار طرح است.

بیانیه نبود تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که تعارض منافع وجود ندارد و تمام مسائل اخلاق در پژوهش را شامل پرهیز از دزدی ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک بار مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده‌سازی یا جعل داده‌ها، منبع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه سوژه یا پژوهش‌شونده، سوءرفتار و غیره، به‌طور کامل رعایت کرده‌اند.

قدردانی

از داوران محترم به‌خاطر ارائه نظرات ارزشمند ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.

منابع

- ابراهیمی، سیدنصرالله؛ شیرجیان، محمد (۱۳۹۳). «قراردادهای بالادستی نفت‌وگاز نظام جمهوری اسلامی ایران و تبیین دلالت‌های قانونی و الزامات قراردادهای جدید». پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، سال سوم، شماره ۱۰، صص ۳۹-۱.
- <https://ensani.ir/file/download/article/20150606135554-9853-73> (۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۳)
- امانی، مسعود؛ حمیدزاده، محمدحسین (۱۳۹۴). «تحلیل حقوقی قراردادهای مشارکت در تولید در صنایع بالادستی نفت‌وگاز و قابلیت اعمال آن در حقوق ایران». پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال شانزدهم، شماره اول، پیاپی ۴۱، صص ۱۸۰-۱۵۱.
- DOI: 0.30497/LAW.2015.1771
- امانی، مسعود (۱۳۹۳). حقوق قراردادهای نفت‌وگاز. تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق.
- امین زاده، الهام و نیک‌بخش شرفشاده، علی. (۱۳۹۴). «مطالعه تطبیقی حق دولتها بر مالکیت و حاکمیت منابع نفت و گاز»، مطالعات حقوق انرژی، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱-۱۶.
- DOI: 10.22059/irels.2015.54549
- ایرانپور، فرهاد (۱۳۸۷). «انواع قراردادهای نفتی، تحول قراردادهای نفتی از قراردادهای معاوضی به سوی قراردادهای مشارکتی». فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸، شماره ۲.
- DOI: 20.1001.1.25885618.1387.38.2.2.1
- ایرانپور، فرهاد (۱۳۸۹). «مالکیت و مفهوم آن در قراردادهای نفتی». فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق دانشگاه تهران، دوره ۴۰، شماره اول، صص ۷۱-۵۷.
- https://j1q.ut.ac.ir/article_20847.html (۱ فروردین ۱۳۸۹)
- بهرامی کهیش‌نژاد، مریم (۱۳۹۲). «بررسی ذخیره‌سازی زیرزمینی گاز طبیعی در مخازن هیدروکربنی تخلیه‌شده». ماهنامه اکتشاف و تولید، شماره ۱۰۸، صص ۲۶-۲۰.

DOI: 20.1001.1.25381652.1392.1392.108.5.8

پورنبی، حانیه (۱۳۹۸). «مالکیت و انتقال آن در قراردادهای نفتی ایران». پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی هدی.

جنت رستمی، افشین (۱۳۸۳). «شبه‌سازی یک مخزن هیدروکربوری جهت ذخیره‌سازی زیرزمینی گاز طبیعی». پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه تهران.

خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه نور. جلد ۲۰ و ۲۱، تهران، انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

خمینی، روح‌الله (۱۳۹۲). ترجمه تحریرالوسیله. جلد ۳، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

ربیعی، فرانک (۱۳۸۱). حقوق و قراردادهای نفتی. تهران، انتشارات بهنامی.

زاهدی وفا، محمدهادی؛ محمدرحیمی، امیر؛ سعدی، حسینعلی (۱۳۹۶). «تطبیق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با مبانی فقهی مصرف انفال (مورد مطالعه: خوراک گاز صنعت پتروشیمی)». فصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی، دوره ۱۰، شماره ۱۹، ص ۱۸۸-۱۶۱.

DOI: 10.30497/IES.2017.2110

سالاری، مصطفی؛ مفیدیان، شراره (۱۳۹۳). «بررسی حقوقی امکان به‌کارگیری روش قراردادی ساخت، بهره‌برداری و واگذاری در صنعت نفت ایران». مجله بررسی‌های بازرگانی، شماره ۶۴ ص ۴۳-۲۹.

DOI: 20.1001.1.26767562.1393.12.64.3.2

شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۷). حقوق نفت و گاز. چاپ چهارم، تهران، نشر میزان. صالحی مازندرانی، محمد؛ سالمی، جواد (۱۳۹۸). «وضعیت فقهی - حقوقی معادن واقع در اراضی شخصی». نشریه مطالعات فقه اسلامی، دوره ۱۱، شماره ۲۱، ص ۲۲۰-۱۹۵.

DOI: 10.22075/feqh.2019.14506.1533

عامری، فیصل؛ شیرمردی دزکی، محمدرضا (۱۳۹۳). «قراردادهای امتیازی جدید و منافع کشورهای تولیدکننده نفت تحلیلی بر مالکیت نفت نظارت و مدیریت دولت میزبان و رژیم مالی قرارداد». فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال دوم، شماره ۶، ص ۱۰۸-۶۳.

https://jplr.atu.ac.ir/article_655.html (۱ فروردین ۱۳۹۳)

کاشانی، جواد (۱۳۹۳). منابع نفت و گاز مشترک از منظر حقوق بین‌الملل. چاپ دوم، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش.

کاظمی نجف‌آبادی، عباس؛ اسلامی شهربابکی، میترا؛ باسلی‌زاده، سینا (۱۳۹۹). «انتقال مالکیت تأسیسات و تجهیزات نفتی در قراردادهای بالادستی صنعت نفت و گاز». فصلنامه توسعه تکنولوژی صنعتی، شماره ۴۰، ص ۷۷-۸۸.

DOI: 20.1001.1.26765403.1399.18.40.6.4

کاظمی نجف‌آبادی، عباس (۱۳۹۶). «مالکیت نفت در قراردادهای نفتی بین‌المللی از منظر حقوق خصوصی». فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال پنجم، شماره ۱۸، ص ۱۳۱-۱۶۵.

DOI: 10.22054/jplr.2017.7421

- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۰). *کالبدشکافی صنعت نفت ایران*. انتشارات روابط عمومی وزارت نفت.
- کنعانی، محمدطاهر (۱۳۸۹). «حق بهره‌برداری از معادن». *فصلنامه حقوق دانشکده حقوق دانشگاه تهران*، دوره ۴۰، شماره ۳، ص ۲۹۶-۲۷۷.
DOI: 20.1001.1.25885618.1389.40.3.16.1
- گودرزی، زهرا (۱۳۸۹). «نگاهی بر مالکیت و نقش آن در تحول قراردادهای نفتی». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه شهید بهشتی.
- مرادی، عبدالرحیم؛ رنجبر، مسعودرضا (۱۳۹۵). «مالکیت منابع نفت و گاز درجا و بهره‌برداری از آن در فقه اسلام». *فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی*، سال ۱۳، شماره ۴۶.
DOI: 20.1001.1.26455013.1395.13.46.4.3
- یثربی، سیدعلی محمد (۱۳۹۷). *فقه استدلالی نفت و گاز و حقوق تطبیقی*. تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

References

- A Group of Authors (2001). *a Critical Examination of the Oil Industry in Iran*. Public Relations of the Ministry of Oil [In Persian].
- Amani, M; Hamidzadeh, M. H. (2015). "A Legal Analysis of Production Sharing Contracts in Upstream Petroleum Industries and its Applicability in Iran's Laws". *The Journal of Islamic Law Research*, 16(1), pp. 151-180.
DOI: 10.30497/law.2015.1771 [In Persian].
- Amani, Masoud (2014). *Oil and Gas Contract Law*. Imam Sadegh University Publications, 1st edition [In Persian].
- Ameri, F; Shirmardi Dezki, M. R. (2014). "The New Concession Agreements and the Interests of Oil Producer Countries: With Specific Reference to Ownership of the Oil, Host State's Control and Management and the Fiscal Regime of the Agreements". *Private Law Research*, 2(6), pp. 63-108.
https://jllq.ut.ac.ir/article_20847.html (Accessed 21 May 2014) [In Persian].
- Bahrami, M; Vatani, A., Bahroodi, A; Kasebi, S. (2013). "Survey of underground storage of natural gas in depleted hydrocarbon reservoirs". *Journal of Oil and Gas Exploration & Production*, (108). pp. 20-26.
DOI: 20.1001.1.25381652.1392.1392.108.5.8 [In Persian].

- Ebrahimi, S. N; Shyryjyan, M. (2014). "Upstream Oil and Gas Contracts of Islamic Republic of Iran and Explanation of Legal Implications and Requirements of New Contracts". *Iranian Energy Economics*, 3(10), pp.1-39. <https://ensani.ir/file/download/article/20150606135554-9853-73> (Accessed 21 May 2014) [In Persian].
- Goudarzi, Zahra (2010). "A Study on Ownership and Its Role in the Evolution of Oil Contracts". *Master's Thesis*, Shahid Beheshti University [In Persian].
- Iranpour, F. (2010). "Ownership on the Petroleum Contracts". *Law Quarterly*, 40(1). https://jlq.ut.ac.ir/article_20847.html (Accessed 21 March 2010). [In Persian].
- Iranpour, F. (2008). "The Different Petroleum Contracts, the Evolution of the Contract towards the Cooperative Contracts". *Law Quarterly*, 38(2). DOI: 20.1001.1.25885618.1387.38.2.2.1 [In Persian].
- Janat Rustami, Afshin (2004). "Simulation of a Hydrocarbon Reservoir for Underground Natural Gas Storage". *Master's Thesis*, University of Tehran [In Persian].
- Kanani, M. (2010). "THE RIGHT OF MINES EXPLOITATION". *Law Quarterly*, 40(3), pp. 277-296. DOI: 20.1001.1.25885618.1389.40.3.16.1 [In Persian].
- Kashani, Javad (2014). *Shared Oil and Gas Resources from an International Law Perspective*. Tehran, City Knowledge Legal Studies and Research Institute Publications, 2nd edition [In Persian].
- Kazemi Najafabadi, A; Eslami Shahrabaki, M; Baseli Zadeh, S. (2020). "Transferring ownership of oil installations and equipment in the upstream oil and gas contracts". *Quarterly journal of Industrial Technology Development*, 18(40), pp. 77-88. DOI: 20.1001.1.26765403.1399.18.40.6.4 [In Persian].
- Kazemi Najafabadi, A. (2017). "Ownership of oil in international oil contracts from the perspective of private law". *Private Law Research*, 5(18), pp. 131-165. DOI: 10.22054/jplr.2017.7421 [In Persian].
- Khomeini, Ruhollah (2013). *Translation of Tahrir al-Wasila*. Vol. 3. Islamic Publications affiliated with the Society of Teachers of Qom Seminary [In Persian].

- Khomeini, Ruhollah (1999). *Sahifeh Imam*. Vol. 20, 21, Institute for Preservation and Publication of Imam's ([In Persian].
- Mohabi, Mohsen (2007). *Issues of Oil and Gas Law in Light of International Arbitration Practices*. Tehran, Shahre Danesh Publications, 1st edition [In Persian].
- McGaha Fred (1986). "Underground Gas Storage: Opposing Rights and Interests". *Louisiana Law Review*, Volume 46, Number 4.
- Mojdehi Ali M. M. (1981). "Ownership Rights in Subsurface Natural Gas Storage Areas". *Tulsa law review*, volume 16.
- Moradi, A; Ranjbar, M. R. (2017). "Ownership and Operation of Oil and Gas Resources in Place in Islamic Jurisprudence". *Islamic Law & Jurisprudence Researches*. DOI: 20.1001.1.26455013.1395.13.46.4.3 [In Persian].
- Movvahed, Mohammad Ali (1970). *Our Oil and Its Legal Issues*. Kharazmi Publications, 1st edition [In Persian].
- Pour Nabi, Hanieh (2019). "Ownership and Its Transfer in Iran's Oil Contracts". *Master's Thesis*, Faculty of Theology and Islamic Teachings, Hoda University [In Persian].
- Rabiei, Farank (2002). *Oil and Petroleum Law and Contracts*. Behnami Publications [In Persian].
- Salari, M; Mofidian, S. (2014). *Commercial Surveys*. 12(64), pp. 29-43. DOI: 20.1001.1.26767562.1393.12.64.3.2 [In Persian].
- Shirvani, Abdolhossein (2018). *Oil and Gas Law*. Mizan Publications, 4th edition [In Persian].
- Salehi Mazandarani, M; Salemi, J. (2019). "Jurisprudential and Legal status of in private land mines". *Journal of Studies in Islamic Law & Jurisprudence*, 11(21), pp. 195-220. DOI: 10.22075/feqh.2019.14506.1533 [In Persian].
- Yasrebi, Seyed Ali Mohammad (2018). *Analytical Jurisprudence of Oil and Gas and Comparative Law*. Tehran, University of Tehran Publications, 1st edition [In Persian].
- Zahedi Vafa, M. H; Saadi, H. A; mohammadrahimi, A. (2017). "Implementation of General Policies of Resistive Economy with ANFAL Jurisprudence Foundations Consumption (the Case of Gas Feedstock for the Petrochemical Industry)". *Islamic Economics Studies Bi-quarterly Journal*, 10(1), pp. 161-188. DOI: 10.30497/ies.2017.2110 [In Persian].